

ساینتولوژی

فرزانه سالمی

«ساینتولوژی» نظامی از عقاید، آموزه‌ها و سنن است که در سال ۱۹۵۲ میلادی به عنوان یک فلسفه سکولار توسط «ل. ان. هابرد» مطرح شده و در سال ۱۹۵۳ میلادی نیز به عنوان یک «فلسفه دینی کاربردی» معرفی شده است. «هابرد» کلمه «ساینتولوژی» را به «مطالعه علم» معنی می‌کند.

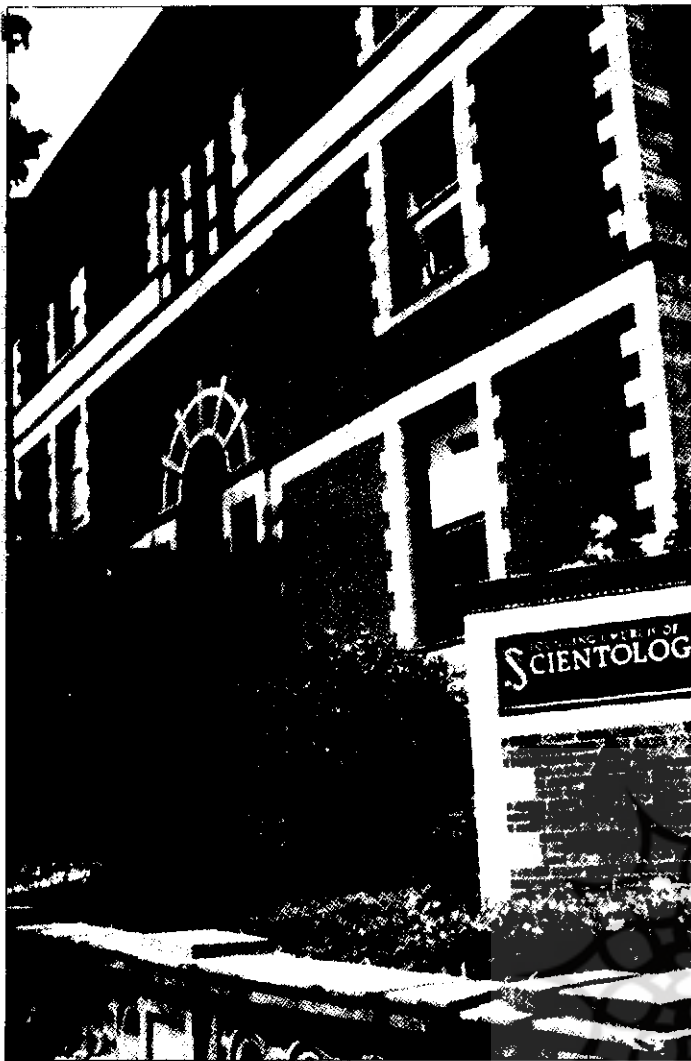
کلیسای ساینتولوژی خود را یک سازمان غیر انتفاعی معرفی می‌کند که در جهت اعاده حیثیت روح انسان کار می‌کند. ساینتولوژی خود را به عنوان «الترناتیوی» برای روانپزشکی مطرح کرده و روانپزشکی را عملی وحشیانه و فاسد می‌خواند.

کلیسای ساینتولوژی، خود را به عنوان یک سازمان غیرانتفاعی که خود را وقف توسعه و پالایش روح انسانی و ارائه برنامه‌های مشاوره‌ای کرده است مطرح می‌کند. پیروان این کلیسا معتقدند که آموزه‌های هابرد، آن‌ها را از اعتیاد، افسردگی، ناتوانی و مشکلات ذهنی باز داشته است. برخی از مقامات دولتی معتقدند این کلیسا یک سازمان تجاری غیراخلاقی است که از اعضای خود سوء استفاده می‌کند.

اصول ساینتولوژی از سوی بسیاری از کارشناسان امور پزشکی و روانپزشکی، با عنوان «تظاهر به علم» شناخته می‌شود و این کلیسا را هم همواره یک «فرقه» می‌خوانده‌اند.

دکترین ساینتولوژی در دوره‌ای ۳۴ ساله توسط هابرد بنا نهاده شد. این دوره از سال ۱۹۵۲ آغاز و تا هنگام مرگ وی در ژانویه سال ۱۹۸۶ میلادی ادامه داشت. بسیاری از اصول اساسی این کلیسا در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی شکل گرفته است.

ساینتولوژی بر پایه آموزه‌های «دایانتیک»، نظامی که پیشتر توسط هابرد مطرح شده بود بنا نهاده شد. این نظام، روش‌های بهبود نفس را که در کتاب منتشر شده هابرد در سال ۱۹۵۰ میلادی به نام «دایانتیک: علم مدرن سلامت روانی» آمده است گسترش می‌دهد. در اواسط دهه ۱۹۵۰ میلادی، هابرد، دایانتیک را به عنوان شبه‌شاخه‌ای از ساینتولوژی مطرح کرد. یک تفاوت بزرگ دایانتیک و ساینتولوژی این است که دایانتیک بر اعاده حیثیت ذهن انسان متمرکز است و به او قدرت بازخوانی آگاهانه تجربیات خود را می‌دهد. اما ساینتولوژی بیشتر بر اعاده حیثیت روح انسان تمرکز دارد. ساینتولوژی در عین حال مسائلی مانند اخلاقیات و وجدان، راه رسیدن به شادی، ارتباطات اجتماعی.



ازدواج، بزرگ کردن فرزندان، مقابله با مشکلات، توجه به تحصیلات و ذات اصلی زندگی را مورد توجه قرار می‌گیرد.

آموزه‌های ساینتولوژی سطوح مختلفی دارد زیرا هابرد معتقد است که اعاده ارزش‌های از دست رفته، قدم به قدم حاصل می‌شود. مثلاً آثار سوء استفاده از مواد مخدر باید قبل از توجه به برخی مسائل دیگر، مورد تأکید قرار گیرد. این روش را «پلی به سوی آزادی مطلق» می‌نامند به طوری که هر گام بر این پلی، نوبدبخش آزادی شخصی بیشتر است.

برخی عقاید اساسی مطرح شده توسط ساینتولوژی

- انسان، یک موجود معنوی نامیرا است که یک ذهن و یک جسم دارد. (به آن موجود معنوی نامیرا، «تان» گفته می‌شود).

- «تان» از سال‌ها پیش و در زندگی افراد مختلف وجود داشته و به این حیات فرتر از مرگ جسمانی ادامه می‌دهد.

- هر انسانی، ذاتاً خوب است اما در دقایق پر از درد و ناآگاهی در زندگی، دچار لغزش می‌شود.

- هر چه برای شما درست است، همان را باید درست بدانید. هیچ عقیده‌ای نباید با عنوان «درست» بر شما تحمیل شود. بنابراین اصول و عقاید ساینتولوژی باید مورد آزمایش قرار گیرند و مشخص شود که درست هستند یا نه.

ساینتولوژی مدعی است که می‌تواند متدولوژی دقیقی برای کمک به افراد و دستیابی آنها به آگاهی لازم از موجودیت معنوی خود ارائه دهد. تأثیر این روش در جهان فیزیکی بر انسان‌ها معلوم می‌شود. روش‌های دقیق مشاوره معنوی از این راه آموزش و ترویج داده می‌شود.

بر اساس آموزه‌های این کلیسا، هدف نهایی آن است که روح (تان) به وضعیت اصلی خود یعنی آزادی کامل برگردد و بر این موضوع، انرژی، فضا، زمان، افکار و شکل زندگی انسان‌ها متمرکز شود. این حالت آزادشدگی را «تان فعال» می‌نامند.

یک آموزه اصلی ساینتولوژی، «گوش دادن» است که رابطه‌ای یک به یک با «شنونده» دارد. شنونده، روش خاصی را برای اعاده حیثیت روح انسان دنبال می‌کند.

این روند گوش دادن، به شخص کمک می‌کند که خود را از بار حوادث خاص دردناکش، تحریف‌های اخلاقی و تصمیمات نادرست گذشته رها کند. این نقاط سیاه، شخص را از دسترسی به اهدافش باز می‌دارد و مانع بهبود شرایط ذهن او می‌شود و به همین جهت، ساینپتولوژی می‌تواند برای شخص مفید واقع شود. شنونده از شخص مورد نظر می‌خواهد، به فهرستی از سؤالاتی که با اهداف خاص طراحی شده‌اند پاسخ دهد. شخص باید خود هم علاقه‌مند باشد و در فهم سؤالات تلاش کند تا روند آن به خوبی پیش برود. شنونده‌ها طبق قوانین کلیسای ساینپتولوژی از تعبیر، تفسیر، اشاره یا بی‌اعتبار کردن پاسخ‌های آن منع شده‌اند.

عالمان ساینپتولوژی می‌گویند این روش به بالا رفتن ضرب هوشی، حافظه و تمرکز حواس کمک کرده و از خونسردی پریشی و مشکلات تمرکز حواس جلوگیری می‌کند و به آرام شدن شخص هم کمک می‌کند. اما هیچ دلیل علمی برای اثبات این ادعاها وجود ندارد. حتی یک تحقیق انجام شده در استرالیا نشان داد که این روند گوش دادن، شبیه فرمان‌های هیپنوتیزم است که به شکل گرفتن توهم در اشخاص کمک می‌کند. حتی روانپزشکان هم معتقدند که این جلسات گوش دادن، بدون مجوز علمی و بنیان علمی انجام می‌پذیرد. کلیسای ساینپتولوژی این اتهامات را رد کرده و مدعی است که این روند

به آرامش روحی و معنوی منجر می‌شود. کلیسای ساینپتولوژی در عین حال تأکید دارد که جریان این جلسه را به طور محرمانه نگهداری می‌کند. بارها پیش آمده که اعضای سابق ساینپتولوژی ادعا کرده‌اند کلیسا از اطلاعات ضبط شده از آنها در جلسات قبلی گوش دادن علیه خود آنها استفاده کرده است. این اتهامات از لحاظ قانونی ثابت نشده‌اند.

مثلث ARC

یک اصل دیگر ساینپتولوژی این است که سه جزء مربوط به هم وجود دارند که می‌توانند به «زندگی موفق» منجر شوند: واکنش‌های عاطفی، واقعیت و برقراری ارتباط. هابرد این سه جزء را در مثلث ARC معرفی کرده است. ساینپتولوژی این مثلث را به عنوان اصل مرکزی تشکیل‌دهنده زندگی ما معرفی کرده است؛ و معتقد است بهبود بخشیدن یک بعد از این مثلث، سطح دو جزء دیگر را نیز بهبود می‌بخشد.

زندگی گذشته

در «دایانیتیک»، هابرد اعلام کرده بود که علت لغزش‌های ذهن آدمی، جمع شدن درد و خاطرات ناخودآگاه از حوادث دردناک گذشته است که در ذهن او نقش بسته‌اند. وی این نظریه را بعدها گسترش داد و اعلام کرد «تتان» بیش از ده تریلیون سال عمر کرده است. هابرد می‌گوید در این فاصله، روح آدمی در معرض حوادث دردناک و ناگوار زیادی قرار داشته و گویی انسان این وقایع را تجربه کرده است. بر اساس یکی از سخنرانی‌های هابرد می‌توان گفت که به یاد آوردن تمام این وقایع، هم ناگوار و هم ناممکن است. در نتیجه، ساینپتولوژی سعی دارد برای حل این مشکل به عوامل اصلی ایجاد آنها بپردازد. اما تمام موارد ذکر شده در تمام انسان‌ها دیده نمی‌شود.

به گفته هابرد، برخی از این وقایع و خاطرات دردناک، عملاً توسط دیکتاتورهای فرازمینی برای شناسایی مغزی انسان‌ها و به دست گرفتن کنترل آنها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. دکترین ساینپتولوژی بر اعتقاد به تمدن‌های فرازمینی و مداخلات بیگانگان در حوادث و امور زمینی بنا نهاده شده و به آن برای فضایی گفته می‌شود.

حقیقت پنهان در مورد جهان، تنها به پیروان بسیار پیشرفته ساینپتولوژی آموخته می‌شود و کاملاً محرمانه است. این اطلاعات هیچ‌گاه توسط کلیسای ساینپتولوژی منتشر نمی‌شود. در عین حال، از آنجا که ساینپتولوژی به عنوان یک دین پر رمز و راز شناخته می‌شود، آموزه‌های آن هم به شدت از عموم پنهان نگه داشته می‌شود.

از سوی دیگر، ساینپتولوژی دائماً با ارجاعات مختلف به زندگی گذشته و غیر زمینی همراه است و در مطالب منتشره داخلی پیروان آن، تصاویری از کشتی‌های فضایی به چشم می‌خورد و ارجاعات مختلف به حوادث فاجعه‌باری که از ۷۵ میلیون سال قبل به بعد اتفاق افتاده در آنها دیده می‌شود.

ساینپتولوژی مدعی است که کاملاً با تمام ادیان جهان منطبق است. کلیسای ساینپتولوژی در بیانیه خود تصریح می‌کند که: «ساینپتولوژی به همه ادیان احترام می‌گذارد. ساینپتولوژی با سایر ادیان یا آموزه‌های آنها سر درگیری ندارد.» با این وجود، کلیسای ساینپتولوژی بارها با سایر گروه‌های دینی درگیر شده است. مناقشه این کلیسا

با کلیسای انگلیس، کلیسای ارتدوکس روسیه و کلیسای لوتری از جمله نمونه‌های این مناقشات است. این سه کلیسا، دائماً فعالیت‌ها و دکترین کلیسای ساینپتولوژی را مورد انتقاد قرار می‌دهند. بسیاری از اعضای کلیسای کاتولیک روم، ساینپتولوژی را رد می‌کنند زیرا ساینپتولوژی عقاید و دیدگاه‌های عجیبی در مورد مسیح دارد. اعضای کنسلی کاتولیک روم معتقدند که ساینپتولوژی در واقع شکلی از مسک لادریه است که بسیاری از مسیحیان، آن را بدعت می‌دانند. کلیسای ساینپتولوژی در عین حال با سایر گروه‌های دینی همکاری کرده تا پروژه‌ها و برنامه‌هایی را علیه اجرای اقدام توسط کشورهای مختلف جهان پیاده کند. اما ادعای قابل تضاد بودن آموزه‌های ساینپتولوژی با دین الهی چندان قابل اثبات نبوده است. ساینپتولوژی مدعی رسیدن به قابلیت‌های روحی پیشرفته نسبت به ادیان الهی است اما منتقدان ساینپتولوژی معتقدند که درون این ادعاها، عملاً «قابلیت‌های روحی و معنوی» هم معنی با «قدرت‌های مرموز» است. حتی هابرد هم در کتاب معروفش «تاریخ انسان»، علیه استفاده غیرآگاهانه یا نادرست از این قدرت‌ها سخن می‌گوید. کلیسای ساینپتولوژی برای اثبات ادعاهای خود می‌گوید:

«علیرغم آنکه هیچ قانونی پیروان ساینپتولوژی را ملزم به کنار گذاشتن ادیان یا عقاید دیگر نمی‌کند، اما پیروان ساینپتولوژی کاملاً وابسته به آن می‌شوند و سایر پیروها را کنار می‌گذارند. آنها برای یافتن پاسخ سؤالات خود تنها به آموزه‌های ساینپتولوژی مراجعه می‌کنند.

منتقدان ساینپتولوژی هم در مقابل می‌گویند هابرد هم عملاً دیدگاه بسیار مبهم و تاریکی را در قبال ادیان، اتخاذ کرده است. در برخی آموزه‌های ساینپتولوژی، هابرد ادعا می‌کند که مسیح هرگز وجود نداشته است بلکه در حافظه جمعی انسان‌ها حک شده است. هابرد حتی نسبت‌های ناروایی هم به مسیحیت می‌دهد. اما حتی تمام پیروان ساینپتولوژی هم چنین ادعایی را نمی‌پذیرند. هابرد حتی ادعا می‌کند که اسلام هم از حافظه غیرزمینی بشر به وجود آمده است. در ادامه، هابرد مدعی می‌شود که ادیان توانسته‌اند به هدف خود برسند زیرا در این ادیان، فقر با خرد در کنار یکدیگر گذاشته شده‌اند و نیکی هم در همین ردیف قرار گرفته است. هابرد ادعا می‌کند که ادیان با این روش عملاً به بن‌بست رسیده‌اند. در آراء ساینپتولوژی، ردیابایی از نفوذ مفاهیمی مانند «کارما» از هندو و تئوری‌های متافیزیکی زیگموند فروید، کارل یونگ و ویلیام سارکانت هم دیده می‌شود.

هابرد در عین حال متهم شده بود به اینکه از ساینپتولوژی به عنوان نقابی برای انجام فعالیت‌های دیگر و ادعاهای پزشکی‌اش استفاده می‌کند.

کلیسای ساینپتولوژی

اولین کلیسای ساینپتولوژی در سال ۱۹۳۵ در نیوجرسی تأسیس شد و یک سازمان غیرانتفاعی به شمار می‌آمد. اما کلیسای ساینپتولوژی به شکل فعلی‌اش در سال ۱۹۵۴ تأسیس شد و به مرکز شبکه جهانی پیچیده‌ای برای گسترش آراء هابرد تبدیل شد. از جمله این آراء می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- مراکز درمان و بازیابی مواد مخدر
- مراکز بزهکاران

- فعالیت‌های اصلاح سلامت روان

- به کارگیری متدهای آموزشی هابرد در مدارس

گروه‌های مستقل در ساینپتولوژی

علیرغم آنکه «ساینپتولوژی» معمولاً به همان کلیسا محدود می‌شود، برخی از گروه‌های کوچک در خارج از این چارچوب رسمی فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها کلیسای ساینپتولوژی را رد کرده و می‌گویند این کلیسا از آموزه‌های هابرد فاصله گرفته است.

جنجال بر سر ساینپتولوژی

از میان جنبش‌های جدیدی که شاید بتوان آن‌ها را در چارچوب دینی گنجانند، ساینپتولوژی از پرهیاهوترین جنبش‌های قرن بیستم بوده است. از همان آغاز کلیسای ساینپتولوژی با دولت‌های مختلفی اختلاف پیدا کرد که از آن جمله می‌توان به آمریکا، انگلیس و آلمان اشاره کرد. کشورهای مختلف، رویکردهای مختلفی را در رابطه با ساینپتولوژی اختیار کرده‌اند. اما تنها در آمریکا و استرالیا است که ساینپتولوژی به عنوان یک دین شناخته می‌شود و بنابراین کلیسای آن به عنوان یک نهاد دینی از حمایت‌های مختلف برخوردار است. در کانادا هم کلیسای ساینپتولوژی نهادی قانونی است اما به علت اتهاماتی که علیه این کلیسا وجود دارد، تصویر مثبتی از آن در کانادا موجود نیست.

**کلیسای ساینپتولوژی
خود را به عنوان یک
سازمان غیرانتفاعی که خود
را وقف توسعه و
پالایش روح انسانی
و ارائه برنامه‌های مشاوره‌ای
کرده است
مطرح می‌کند**



تلاش نهاد کلیسا برای نفوذ در دولت، از جمله این اتهامات است. در آمریکا، کلیسای سائنتولوژی به عنوان یک «نهاد عمومی خیریه» شناخته می‌شود. اما این موقعیت در انگلیس و کانادا برای کلیسای سائنتولوژی وجود ندارد. برخی کشورهای اروپایی از جمله آلمان، این کلیسا را یک نهاد دینی خیریه به حساب نمی‌آورند و به جای آن، عنوان «شرکت تجاری» یا «فرقه تمامیت‌خواه» را به این کلیسا نسبت می‌دهند.

برخی دیگر از کشورهای اروپایی، سائنتولوژی را یک فرقه خطرناک می‌دانند و فعالیت‌های آن را محدود کرده‌اند. در برخی موارد، شاخه‌های محلی کلیسای سائنتولوژی هم قانونی شمرده نمی‌شود. مثلاً در آلمان، سائنتولوژی به عنوان «دین» از سوی دولت به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ بلکه عنوان «تجارتی» را با خود یدک می‌کشد. حزب دمکرات مسیحی و دولت آلمان، قوانینی را برای محدود کردن مشارکت پیروان «سائنتولوژی» در سیاست، تجارت و دیگر موارد اجتماعی وضع کرده است و دادگاه‌های آلمان بر این عقیده‌اند که فعالیت‌های سائنتولوژی، ناقض قانون اساسی این کشور است.

در روسیه نیز وضع به همین منوال است و فشارهای دولتی بر حامیان سائنتولوژی افزایش یافته است.

اما عرصه حقوقی و قانونی مقابله با کلیسای سائنتولوژی هم چندان مطلوب نیست. تجربه ثابت کرده که کشاندن این کلیسا به دادگاه، روند قانونی طولانی و هزینه‌بری را خواهد داشت و به نتیجه مشخصی هم نمی‌رسد زیرا مواضع دقیقی در مورد کلیسای سائنتولوژی در میان کشورهای مختلف دنیا وجود ندارد.

اما برخی از کشورها نیز سائنتولوژی را کاملاً پذیرفته‌اند. از جمله این کشورها می‌توان به ایتالیا، اسپانیا و تایلند اشاره کرد. روند دعوای حقوقی علیه سائنتولوژی هم که در فاصله اوایل تا اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی به شدت افزایش یافته بود، از اواسط این دهه کمتر شد و به همین جهت، حامیان سائنتولوژی هم در تلاش هستند دیدگاه متعادل‌تری در برابر انتقادات و اعتراضات موجود داشته باشند.

انتقادات علیه سائنتولوژی

- ۱) اعمال تهاجمی حامیان سائنتولوژی علیه منتقدان
 - ۲) مرگ غیر قابل توجیه برخی از حامیان سابق سائنتولوژی
 - ۳) سیاست جدایی‌طلبانه سائنتولوژی و اصرار بر قطع ارتباط حامیان کلیسای سائنتولوژی با بقیه گروه‌های مذهبی.
 - ۴) استفاده از تاکتیک‌های نامعمول برای جمع‌آوری پول و تأمین هزینه
- حتی برخی از منتقدان سائنتولوژی به اظهارات «هابرد» مؤسس آن در سال ۱۹۸۰ میلادی اشاره کرده و آن را نمونه بارز غیرقانونی و غیرانسانی بودن سائنتولوژی می‌دانند. «هابرد» گفته بود: «اگر شخصی بخواهد به راحتی چند میلیون دلار به جیب بزند، بهترین راه این است که دین «خودش» را تأسیس کند.»
- کلیسای سائنتولوژی در عین حال نمی‌خواهد این نهاد به عنوان یک نهاد خیریه مذهبی مطرح شود.

سائنتولوژی و روانشناسی

سائنتولوژی را معمولاً رویکردی ضد روانشناسی می‌خوانند و همین‌طور هم هست. رویکرد سائنتولوژی کاملاً برخلاف روانشناسی و روانپزشکی است. کلیسای سائنتولوژی مدعی است که روش‌های درمانی روانپزشکان، «وحشیانه» و غیر انسانی

هستند. حامیان سائنتولوژی حتی به استفاده از شوک الکتریکی و داروی مخدر در روند روانپزشکی به عنوان شواهد ادعای خود در رد روانپزشکی اشاره می‌کنند. در سال ۱۹۶۶ میلادی، «هابرد» به عنوان پایه‌گذار «سائنتولوژی» علیه روانشناسی و روانپزشکی اعلام جنگ کرد. و آن‌ها را معادل «حمله و جنایت» دانست در سال ۱۹۶۹ میلادی، ری کلیسای سائنتولوژی را به نبود کردن روانشناسی و روانپزشکی فراخواند و خواهان کنار گذاشتن این گونه روشها شد.

چهره‌های سائنتولوژی

کلیسای سائنتولوژی بخش ویژه‌ای دارد که به خدمات رسائی به افراد مشهور، متخصص و رهبران نامدار جهان اختصاص دارد. این بخش در جذب افراد مشهور و پرطرفدار مثل «جان تراولتا»، «کلی پرستون»، «کرتی الی»، «بک هانسن»، «جانی پترسن»، «جینس لی» و «تام کروز» موفق عمل کرده است. تام کروز در سال ۲۰۰۵ میلادی به عنوان یکی از حامیان پر و پا قرص سائنتولوژی مطرح شد و حتی در برنامه‌ای تلویزیونی، استفاده از داروهای ضد افسردگی را به شدت زیر سؤال برد. در ژوئن سال ۲۰۰۵ میلادی، وی طی برنامه دیگری از خطرات روانپزشکی و استفاده از داروهای مورد تجویز آن‌ها سخن به میان آورد. پس از این برنامه، مصاحبه‌ای نیز با روانپزشکان

در خصوص صحت اظهارات تام کروز به عمل آمد و این افراد نیز گفتند که هنوز مشخص نیست که واقعاً داروهای ضد افسردگی اثر مثبتی دارند یا خیر. منتقدان سائنتولوژی می‌گویند توجهی که نسبت به افراد مشهور حامی سائنتولوژی ابراز می‌شود، کاملاً با حامیان عادی سائنتولوژی متفاوت است زیرا کلیسای سائنتولوژی از افراد و چهره‌های مشهور برای تبلیغ خود استفاده می‌کند.

اعتقاد حامیان سائنتولوژی چیست؟

سائنتولوژی، اعتقاد و ایمان به خدا را چیزی شخصی می‌داند و مشخصه‌ای را برای آن ارائه نمی‌دهد. طبیعت این وجود عالی، از درون هر فرد به طور شخصی بومی‌خیزد به طوری که با افزایش آگاهی و معرفت روحی و روانی، این طبیعت عالی در فرد ایجاد می‌شود. آنها معتقدند که انرژی یا نیروی زندگی در درون هر چیز و فراتر از آن وجود دارد. در مانیفست سائنتولوژی آمده است:

- که تمام افراد از هر نژاد، رنگ و طبقه‌ای با حقوق یکسان آفریده شده‌اند.
- که تمام افراد حق انجام فعالیت‌های دینی را دارند.
- که تمام افراد حق زندگی دارند.
- که تمام افراد، حق دفاع از خود را دارند.
- که تمام افراد حق دارند نهاد، دولت یا کلیسای مورد نظر خود را پیدا کرده با آن همکاری کنند.
- که تمام افراد حق دارند آژانته فکر کنند حرف بزنند و افکار خود را روی کاغذ بیاورند.
- که مطالعه و درمان بیماری‌های ذهنی افراد نباید از دین جدا باشد و در عرصه‌های غیر دینی دنبال شود.
- که جز خدا هیچ قدرتی توانایی سلب این حقوق را چه به طور مخفیانه و چه به طور آشکار ندارد.

مرجع: ویکی پدیا

